



## کیفیت جنسیتی فضا در خانه‌های روستایی گیلان

مژگان خاکپور<sup>۱</sup> و مرضیه عسلی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۳/۱۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۲۸

«از صفحه ۱۷۱ تا ۱۸۶»

### چکیده

معماری مسکونی در روستا، علاوه بر تأثیرپذیری از مؤلفه‌های جغرافیایی و اقلیمی، متأثر از فرهنگ عامه مردم است. مسکن روستایی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی-فرهنگی تلقی می‌شود که از سویی با تأثیر از خصوصیات فرهنگی، محل بروز ویژگی‌های رفتاری و الگوی زندگی اهالی آن بوده و از سویی، با ویژگی‌های کالبدی و ساختار فضایی خاص خود، بر شکل‌گیری فرهنگ عامه و سبک زندگی مردم تأثیر می‌گذارد. «جنسیت» نیز به عنوان یکی از شاخصه‌های اجتماعی-فرهنگی، رابطه دو طرفه با فضای کالبدی دارد. پژوهش حاضر به بررسی کیفیت رابطه موجود بین جنسیت و فضای کالبدی پرداخته و تأثیر این رابطه را در مسکن روستایی گیلان، مورد بررسی قرار داده است. این پژوهش کیفی، از نوع کاربردی-توسعه‌ای است که اطلاعات آن، با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع نوشتاری و ابزار مشاهده و مصاحبه به دست آمده است. بدین ترتیب مطالعات میدانی در روستاهایی از حوزه‌های مختلف فرهنگی شرق و غرب گیلان به لحاظ قابلیت تعمیم‌پذیری به نقاط مختلف استان صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شرایط جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه روستایی گیلان، جایگاه زنان در فرهنگ بومی این مناطق را تحت تأثیر قرار داده و به تبع آن، رابطه جنسیت و فضا را در مسکن بومی شکل می‌دهد. بدین ترتیب که در مسکن روستایی این استان، الزامی برای تفکیک فضایی بین زنان و مردان در ظاهر بنا وجود ندارد، اما در داخل فضاها، حریم زنانه و مردانه از هم مجزا است.

**کلمات کلیدی:** جنسیت، فضای جنسیتی، زن، مسکن روستایی، معماری گیلان

۱. «نویسنده مسئول» معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان. mojgan\_khakupour@yahoo.com

۲. معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان. m\_asali700920@ymail.com

## ۱. مقدمه

خانه به عنوان محلی برای زندگی و انجام فعالیت‌های روزمره است که وظیفه تأمین آرامش و آسایش خانواده را بر عهده دارد و در مناطق مختلف، شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. انواع مختلف خانه‌های حیاط مرکزی در مرکز ایران و پیرامونی در شمال کشور<sup>۱</sup> دربردارنده شکل‌های متنوع مسکن است. عوامل پایه‌ای جغرافیای طبیعی و ویژگی‌های اقلیمی در پیدایش مسکن با معماری‌های متمایز، تأثیرگذار است؛ با این وجود، مناطقی وجود دارند که به رغم قرار گرفتن در یک محدوده جغرافیایی با ویژگی‌های اقلیمی و طبیعی مشترک، معماری مسکونی آن‌ها از جهاتی و یا به طور کامل باهم متفاوت است (معماریان، ۱۳۸۶: ۵). بنابراین با نگاهی عمیق‌تر می‌توان دریافت که علاوه بر عوامل طبیعی و جغرافیا، متغیرهایی مثل ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی نیز در معماری مسکونی و خصوصیات آن تأثیرگذار است (خاکپور و عشقی‌صنعتی، ۱۳۹۳: ۴). در روستاهای گیلان، با توجه به مشاهدات انجام شده در خصوص تعاملات، مرادوات و کنش‌های روزانه مردم، به رغم اینکه قالب دیداری در روستاهای مناطق مرکزی ایران، معماری درون‌گرا است، به نظر می‌رسد در این استان، فرهنگی متفاوت شکل گرفته که باعث تفاوت در سبک معماری نیز شده‌است.

جایگاه زنان در جامعه روستایی گیلان و تقسیم نقش‌ها میان زن و مرد به گونه‌ای است که زنان در طول روز و انجام فعالیت‌های روزمره، تنها محدود به امورات مربوط به خانه و فرزندان نیستند. آن‌ها علاوه بر نقش همسری و مادری، در فعالیت‌های بیرون از خانه نیز مشارکت دارند که بدین واسطه، تأثیری عیان بر تأمین اقتصادی خانواده دارند. به نظر می‌رسد موقعیت و نقش خاص زنان در گیلان، به عنوان یکی از عوامل فرهنگی مؤثر بر معماری، می‌تواند در تشکیل فضاهای کالبدی و ویژگی‌های آن مؤثر باشد.

حال این سوال ایجاد می‌شود که جایگاه زنان در جامعه روستایی گیلان، چگونه در کیفیت و کاربری فضاهای کالبدی نمود پیدا می‌کند. در پاسخ ابتدایی به این سوال، به نظر می‌رسد که با بررسی نقش زن در پیدایش نوع خاص معماری روستایی گیلان، می‌توان موقعیت زن را در فرهنگ این بوم تبیین کرد و در نتیجه معماری امروز را در راستای فرهنگ بومی منطقه و هم‌چنین تأمین نیازها، رفاه و آسایش افراد مورد مذاکره قرار داد. در این پژوهش پس از ارائه مفاهیم و چارچوب نظری تحقیق، چگونگی تأثیر متقابل جنسیت و فضا در مسکن بومی روستایی گیلان، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲. روش انجام تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع پژوهش کاربردی-توسعه‌ای است که با روش توصیفی-تحلیلی به مطالعه یکی از خصوصیات اجتماعی-فرهنگی در استان گیلان و به طور مشخص در جامعه روستایی آن می‌پردازد. در این پژوهش، با توجه به موضوع، از منابع کتابخانه‌ای و اسناد نوشتاری بهره‌برداری می‌شود. هم‌چنین

۱۲ روستا از حوزه‌های مختلف فرهنگی شرق و غرب گیلان و نیز بخش‌های اقلیمی کوهستان، کوهپایه و جلگه به لحاظ تعمیم‌پذیری به نقاط مختلف استان انتخاب و مطالعات میدانی با استفاده از ابزار مشاهده غیر مشارکتی و هم‌چنین مصاحبه باز انجام می‌شود. بدین ترتیب، خصوصیات کلی مسکن روستایی، فضاهای موجود در آن، حریم و مرز میان فضاهای زنانه و مردانه در روستاهای لوشاده، لیالمان، شالماء، ملسکام، رادارکومه، نوروزمحل، کیسم، گیگاسر، سیاه‌مرز گواپر، کلاک، جیرکل و بهدان مورد تحقیق قرار گرفته و تأثیر جنسیت در جانمایی فضاها بررسی می‌شود. مبنای نظری این پژوهش کیفی، مستقل از مستندات عددی است. هم‌چنین در بخش مطالعات برای تعمیم اطلاعات به‌دست‌آمده از روستاهای مورد مطالعه، به کلیت ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی گیلان، از روش استقرا و در تحلیل اطلاعات از شیوه قیاس استفاده شده‌است. چارچوب نظری تحقیق مبتنی بر نظرات فرهنگ‌گرا بوده و قایل بر این است که فرهنگ، پیش از آب و هوا بر شکل معماری تأثیرگذار است.

### ۳. پیشینه تحقیق

از دهه ۸۰ میلادی، مبحث وجود رابطه بین جنسیت و معماری مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفت<sup>۱</sup> و در سال‌های اخیر، مقالات و کتب متعددی هم‌چون «جنسیت و فضا<sup>۲</sup>» و «فضاهای جنسیتی در معماری<sup>۳</sup>» درباره رابطه بین فضا و جنسیت در معماری به چاپ رسیده‌است. علاوه بر این برومیرزه<sup>۴</sup> در بخشی از کتاب «مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان<sup>۵</sup>» به مبحث حجاب‌های نامرئی در تفکیک جنسیتی فضاها، در مسکن بومی گیلان پرداخته‌است. هم‌چنین در مقالات بسیاری، مباحث مربوط به فضاهای جنسیتی شکل‌گرفته در معماری ایران مورد بررسی قرار گرفته‌است که از جمله آن‌ها می‌توان به بررسی شکل‌گیری عرصه‌های جنسیتی در فضاهای اجتماعی شهر و روستا در دوره قاجار<sup>۶</sup>، چگونگی تأثیر ساختار جنسیتی هر جامعه در فرم و شکل‌بندی فضای فیزیکی با تمرکز بر معماری درون‌گرا<sup>۷</sup> در ایران مرکزی و برون‌گرا<sup>۸</sup> در شمال ایران<sup>۹</sup> و نیز «مطالعه تأثیر کلیشه‌های جنسیتی به عنوان یک عامل اجتماعی-فرهنگی بر معماری خانه‌های شهری، در شرق گیلان<sup>۱۰</sup>» اشاره کرد.

۱. اکثر پژوهشگران در قالب معماری «درون‌گرا» و «برون‌گرا»، قایل به تفکیک دو قطبی در سبک شناسی کلی خانه هستند.

۲. در سال ۱۹۹۰ و در خلال موج سوم جنبش برابری زنان (Feminist)، نشست تحت عنوان «جنسیت و فضا» توسط کولومبیا، برگزار شد. او در این نشست به ضرورت پرداختن به رابطه بین جنسیت و فضا اشاره کرد.

3. Colomnina, 1992.

4. Rendell & Penner & Borden, 2003.

۵. کریستیان برومیرزه (Christian Bromberger)، ایران‌شناس فرانسوی و استاد انسان‌شناسی در دانشگاه پرووانس فرانسه است. او متخصص فرهنگ گیلان و رییس انجمن فرانسوی مطالعات ایرانی است.

۶. برومیرزه، ۱۳۷۰.

۷. ورمقامی و سلطان‌زاده و دهباشی شریف، ۱۳۹۴.

8. Introvert

9. Extrovert

10. Sadoughianzadeh, 2013

توجه به «جنسیت<sup>۱</sup>»، به عنوان یکی از عوامل اجتماعی-فرهنگی<sup>۲</sup>، که در تشکیل فضاهای کالبدی و جانمایی آن‌ها تأثیرگذار است، اهمیت بسیاری دارد (مهدوی و میرزایی، ۱۳۹۱: ۱۰). محققان حوزه مطالعات زنان بین دو ساحت مختلف انسان تفاوت می‌گذارند که از آن به «جنس<sup>۳</sup>» و «جنسیت» تعبیر می‌گردد<sup>۴</sup>. مجموعه‌ای از رفتارها و گرایش‌های فرد که با «جنسیت» وی هماهنگ باشد، در روان‌شناسی تحت عنوان «نقش جنسی<sup>۵</sup>» شناخته می‌شود و به نظر می‌رسد نقش جنسی، بر اغلب فعالیت‌های انسان و بر معماری، متناسب با نیازهای فرد تأثیر بگذارد. در راستای کارکرد مفهوم نقش جنسی، هویت جنسیتی<sup>۶</sup> نیز نگرشی است که توسط فرد نسبت به جنسیت خویش در طول زندگی شکل می‌گیرد و از نظر جامعه‌شناسان، ساختار خانواده و عواملی هم‌چون قدرت، پدرسالاری یا مدرسالاری و خانواده هسته‌ای یا گسترده در تعیین هویت جنسیتی مؤثر هستند (ورمقامی و سلطان‌زاده و دهباشی‌شریف، ۱۳۹۴: ۳۰). بنابراین در طول تاریخ، تفاوت‌های جنسیتی باعث شده تا جامعه، نقش‌ها و جایگاه متفاوتی را برای زن و مرد در نظر گرفته و مسکن نیز به عنوان مظهر این نقش‌ها، دستخوش تغییر قرار گیرد.

#### ۴. جنسیت و فضا

همانگونه که از نظر جامعه‌شناسان، جغرافی‌دانان و روان‌شناسان محیطی، فضا متأثر از عوامل اجتماعی-فرهنگی که جنسیت یکی از زیر مجموعه‌های آن است شکل می‌گیرد، روابط فضایی، خود بر شکل‌گیری روابط جنسیتی مؤثر واقع می‌شود (Rendell & Penner & Borden, 2003: 102)؛ انسان‌ها، چه مرد و چه زن، برای انجام فعالیت‌های روزمره، نیاز به فضا دارند. در واقع می‌توان گفت وظیفه مسکن، تأمین کالبدی برای فعالیت‌های زندگی انسان است (سرتیپی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۱). به همین ترتیب در فضای مسکونی، هر فرد، متناسب با هویت جنسیتی که در خانواده دارد، نقشی را ایفا کرده و وظایفی را انجام می‌دهد. فضای کالبدی نمودی ویژه از فعالیت‌های روزانه انسان است (معماریان، ۱۳۸۷: ۳۷۴). لذا، فضا می‌تواند متناسب با نوع فعالیت‌هایی که در آن، توسط زنان یا مردان صورت می‌گیرد، رنگ و بوی جنسیتی یافته و به عبارتی زنانه یا مردانه تلقی شود. راپاپورت در این‌باره در خانه‌هایی که بعضی اقوام می‌ساخته‌اند، به تأثیر جنسیت در تفکیک فضایی بین زنان و مردان اشاره می‌کند که فضایی کوچک، بدون تقسیم بندی ظاهری، به دو بخش حریم زنانه و مردانه مجزا می‌شود. علاوه بر این، در قبایل چادرنشین نیز،

۱. مهدوی و میرزایی، ۱۳۹۱

2. Gender

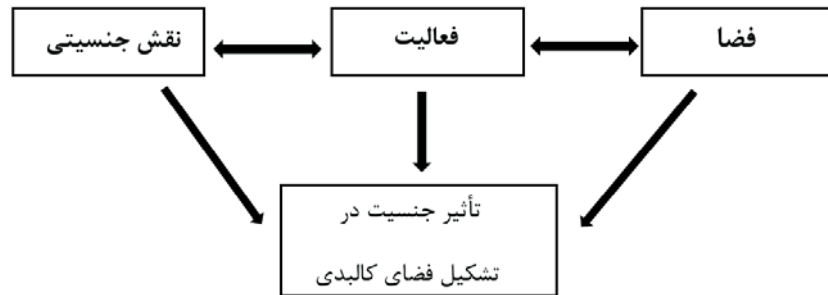
3. Socio-culture

4. Sex

۵. از نگاه جامعه‌شناسان اصطلاح «جنس» به تفاوت‌های فیزیولوژیک و کالبدشناختی دلالت می‌کند که تعیین‌کننده بدن انسان نر یا ماده است. در حالی که «جنسیت» به تفاوت‌های روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی بین مرد و زن اشاره دارد. علاوه بر این، ویژگی‌های جنسی در زمان و مکان‌های مختلف ثابت بوده و به طور طبیعی تغییری نمی‌کند، اما جنسیت متأثر از فرهنگ هر جامعه تغییرپذیر است. (Giddens, ۲۰۰۹: ۶۰۰).

۶. «نقش جنسی (Sex-rol)»، مرتبط با رفتارهای ویژه دختر و پسر است که مواردی نظیر آداب‌ورسوم، الگوی لباس، انتخاب اسباب‌بازی و نوع بازی در آن دخالت دارند» (آذربایجانی، ۱۳۸۸: ۸۴).

چادرهای مخصوص مردان و زنان با ظاهری متفاوت از یکدیگر ساخته می‌شوند (راپاپورت، ۱۳۸۲: ۶۱). بنابراین جنسیت و معماری در ارتباط با یکدیگر بوده و تاثیر متقابل بر هم دارند. نمی‌توان هیچ‌یک از آن‌ها را بدون دیگری در نظر گرفت بلکه این دو، باید در کنار هم مورد خوانش قرار گیرند (Colomina, 1992)، (نمودار ۱).



نمودار ۱: رابطه متقابل جنسیت و فضای کالبدی، مأخذ: نگارندگان.

توجه به این نکته ضروری است که، جنسیت و ویژگی‌های جنسیتی متناسب با فرهنگ هر منطقه ظهور متفاوتی دارد و به همان نسبت در شکل‌گیری فضا تأثیرگذار است (Johnston, 2015: 808). از این منظر، جایگاه زنان و هویت جنسیتی آن‌ها در شکل‌گیری معماری یک بوم مورد توجه است. آن‌گونه که جایگاه زن در فرهنگ بومی مناطق مرکزی ایران، معماری درون‌گرا را شکل داده‌است که فضاهایی تحت عنوان اندرونی و بیرونی به صورت مجزا برای حضور مردان و زنان دارد، در حالی‌که در گیلان فرهنگی برون‌گرا وجود دارد که به تبع آن معماری برون‌گرا شکل گرفته است (Sadoughianzadeh, 2013: 9).

##### ۵. موقعیت زن در گیلان

با توجه به مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته، به نظر می‌رسد عوامل مختلف جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایجاد جایگاه زن گیلانی تأثیرگذار است. بدین سبب هر یک از این عوامل مورد دقت قرار می‌گیرد.

##### ۵-۱. جغرافیای طبیعی گیلان و تأثیر آن بر جایگاه زن

ویژگی بارز اقلیم استان گیلان، اعتدال دما در شب و روز است و بارش‌های طولانی رطوبت زیاد هوا را ایجاد می‌کند. بنابراین، یکی از وظایف مسکن در این منطقه، علاوه بر ایجاد سرپناه، کاهش رطوبت موجود در هوای اطراف بدن انسان است (خاکپور، ۱۳۸۶: ۲۲). به همین دلیل در معماری مسکونی روستاهای مورد مطالعه، ایوان‌های سرتاسری، گرداگرد بنا مشاهده می‌شود که فضای شفاف و متخلخلی را در ظاهر بنا تشکیل داده‌اند و باعث ایجاد کوران هوا و دفع هوای مرطوب توسط باد می‌شود. ایوان‌ها در مسکن روستایی، فضاهای نیمه بازی هستند که محل انجام بخش زیادی از فعالیت‌های روزانه بوده و یکی از مهم‌ترین عوامل ارتباط بصری بین درون فضای مسکونی و خارج از آن محسوب می‌شوند.

#### 1. Gender Identity

بنابراین خصوصیات طبیعی و جغرافیای خاص منطقه باعث شده تا زنان روستایی، در فضاهای نیمه‌محصور بدون محدودیت در ارتباطات دیداری و با تعاملات اجتماعی هر دو جنس زندگی کنند و به واسطه معماری شفاف و برون‌گرا، همواره و در طول فعالیت‌های روزمره، در رابطه با محیط اطراف و در ارتباط با سایر اهالی روستا باشند.

## ۵-۲. جایگاه اقتصادی زن در گیلان

فرهنگ معیشتی جامعه، یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت جنسیتی مردم است. در بسیاری از مناطقی که کشت برنج رواج دارد، مشارکت زنان در فعالیت‌های برنجکاری بیشتر دیده می‌شود؛ آن‌چنان که مطالعات نشان می‌دهد، بالاترین نرخ مشارکت اقتصادی زنان مربوط به مناطق شمالی ایران است که فعالیت‌های معیشتی آن‌ها مبتنی بر کشاورزی است (دادورخانی، ۱۳۸۵: ۱۷۲). در غالب نقاط استان گیلان، جغرافیای طبیعی، آب و هوای مرطوب و زمین حاصل‌خیز سبب شده است تا کشت برنج به فعالیت اقتصادی اصلی ساکنان روستا تبدیل شود که زنان، بخش مهمی از نیروی کار آن هستند (خاکپور، ۱۳۸۶: ۳۴). در واقع، در جوامع روستایی گیلان از دیرباز فعالیت‌های اقتصادی به صورت مشارکتی بین زن و مرد انجام می‌شده‌است؛ در مراحل کاشت، داشت و برداشت برنج، نشاستن<sup>۱</sup>، ویجین<sup>۲</sup>، علف هرزکنی، توم بیجارگیری<sup>۳</sup> و بندانه زدن<sup>۴</sup>، بر عهده زنان است. در حالی که برپا کردن خزانه برنج، تأمین آب زمین کشاورزی، درو کردن و انبار برنج را معمولاً مردان انجام می‌دهند. بسیاری از مستشرقین درباره فعالیت زنان روستایی گیلان بر این نکته صحنه می‌گذارند؛ چنانکه رایس اذعان می‌دارد: «بسیاری از زنان روستایی در مزارع و کشتزارها کار می‌کنند. برای نمونه در ولایت گیلان در جنوب بحر خزر، نشان دادن نشاهای برنج در برنجزارهایی که دست‌کم یک پا آب‌وگل آن‌ها را فراگرفته‌است، به دست زنان انجام می‌گیرد. حتی در وچین و درو هم مشارکت می‌کنند» (رایس، ۱۳۸۳: ۵۵). علاوه بر کشت برنج، باغداری، دام‌داری، پرورش کرم ابریشم، در بعضی موارد ماهی‌گیری و هم‌چنین صنایع‌دستی نیز از جمله فعالیت‌های اقتصادی بومی در گیلان است که طبق تحقیقات میدانی، در همه این موارد، زنان نقش قابل توجهی دارند. بنابراین زنان روستایی در گیلان، عهده‌دار بخش عظیمی از فعالیت‌های اقتصادی روستا هستند و این نکته باعث شده تا در منابع تاریخی و سفرنامه‌ها به نام زن گیلانی، توجهی ویژه شود (پناهی، ۱۳۹۱). اولتاریوس<sup>۵</sup> در این باره می‌گوید: «در تمام ایران، ایالتی وجود ندارد که زن‌های آن‌جا مانند زن گیلانی کار کند و جنب و جوش داشته باشد» (اولتاریوس، ۱۳۶۲: ۳۴۸).

با وجود اینکه فعالیت‌های روزمره زنان در حوزه اقتصادی، رنج و مشقت

۱. نشا (nəša)، به تخم‌جوی سبزشده گفته می‌شود و نشاستن، به کاشتن آن در زمین شالی اصلی اشاره دارد.

۲. ویجین (vijin)، به کندن علف هرز شالی‌زار برای بار اول می‌گویند.

۳. توم بیجار (tum bəjar)، قطعه زمینی که شلتوک‌های جوانه‌زده را در آن می‌پاشند تا سبز شود و بعد از رشد مطلوب، به مزارع اصلی می‌برند و می‌کارند.

۴. بندانه (bendanə)، بندی که از ساقه شالی درست می‌شود و برای بستن دسته‌های درو شده برنج مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جسمانی فراوانی برای آن‌ها به همراه دارد، اما باعث می‌شود تا به‌طور محدود، به بخشی از محصول دسترسی داشته باشند و از رهگذر خرده فروشی (محصولات)، درآمدی کسب نموده و تا حدی استقلال مالی داشته باشند (علیرضانژاد، ۱۳۹۱: ۱۷۷). علاوه بر این، فعالیت‌های معیشتی در اکثر موارد بیرون از محوطه مسکونی و یا در فضای باز و نیمه باز حیاط و ایوان خانه انجام می‌شود. به همین دلیل فضایی ثابت و حتی محصور برای فعالیت‌هایی از قبیل باز کردن پشم، و یا چادر شب‌بافی وجود ندارد و این‌گونه کارها در ایوان و در بعضی موارد در حیاط خانه انجام می‌شود (خاکپور، ۱۳۸۴: ۶۸). بنابراین زنان زمان زیادی از طول روز را در خارج از خانه گذرانده و حضور آنان در عرصه‌های عمومی و در شبکه روابط همسایگی بیشتر دیده می‌شود.

### ۵-۳. جایگاه اجتماعی زن در گیلان

همانطور که اشاره شد، در جوامعی که زنان در تأمین معاش خانواده مشارکت دارند، حضور زن در عرصه‌های عمومی، به مراتب بیشتر دیده می‌شود (ورمقامی و سلطان‌زاده و دهباشی شریف، ۱۳۹۴: ۳۵). در این باره بوسن<sup>۱</sup> بر این باور است در مناطقی که زنان مشارکت اقتصادی بالایی دارند، روابط جنسیتی برابرطلبانه‌تری نیز حاکم است. در حالیکه در سایر مناطق، زنان بیشتر زمان خود را در خانه می‌گذرانند و ارزش‌گذاری بر پایه نقش زادآوری آن‌ها می‌باشد (Bossen, 2007: 3). در استان گیلان نیز، روابط اجتماعی به گونه‌ای است که با توجه به نقش جنسیتی، نه تنها زن را از جامعه جدا نکرده، بلکه پذیرای حضور او در مجامع عمومی است (ثابت به نقل از خاکپور، ۱۳۹۲). آن‌چنان که مشاهده می‌شود، در روستاهای گیلان، روابط اجتماعی با همسایگانی شکل گرفته است که در حلقه خویشاوندان نزدیک خانواده نیستند، اما ارتباطی صمیمی بین آن‌ها وجود داشته و معمولاً محرمیت فضایی بین خانه‌ها وجود ندارد. به همین سبب در مطالعه معماری روستاها، حصارهای محکم و دیوارهای صلب دیده نمی‌شود که این مسئله می‌تواند ناشی از توافقات اجتماعی ساکنان روستا با یکدیگر باشد (خاکپور و عشقی‌صنعتی، ۱۳۹۳: ۱۲)، به طوری که محوطه مسکونی همسایگان قابل رویت بوده و کلام آن‌ها نیز به راحتی قابل شنیدن است. به این معنی که اهالی روستا، از عیان شدن آن‌چه درون خانه اتفاق می‌افتد، ابایی ندارند و همسایگان را به نوعی محرم روابط درونی خود می‌دانند. برومبِرژه در این باره به نقش‌های اجتماعی و اقتصادی مهمی که گروه‌های همسایگی با یکدیگر دارند، اشاره می‌کند. آن‌ها در طول روز و در طی فعالیت‌های روزمره، مبادلاتی انجام می‌دهند و در موارد مختلف با یکدیگر تعاون و هم‌یاری دارند. به عنوان مثال، در پایان کار و بیچین شالی‌زار، زنان همسایگان خود را به صرف خوراکی دعوت می‌کنند و پایان کار را جشن می‌گیرند (برومبِرژه، ۱۳۷۰: ۵۱). این‌گونه فعالیت‌های دسته جمعی زنان در امور مختلف و جشن‌های گروهی که بر پا می‌کنند، نوعی اقتدار جمعی و استقلال به آنان می‌دهد و جایگاهشان را در جامعه تثبیت می‌کند (خاکپور، ۱۳۹۱: ۲۶۵). در واقع می‌توان گفت با اینکه اساساً محرمیت بر مبنای حفاظت از زن شکل گرفته است، در گیلان، حریم بیشتر برای تعریف حد و حدود ملک به کار می‌رود، لذا حالتی سبک و متخلخل دارد

1. Laurel Bossen

(همان: ۲۵۴).

برخلاف مناطق مرکزی ایران، ورود به خانه‌های روستایی در گیلان، بدون گذر از فضای هشتی<sup>۱</sup> صورت می‌گیرد. در ورودی خانه مستقیماً به حیاط باز می‌شود که مشرف به فضای مسکونی داخل خانه است و اثری از کوبه، که جنسیت مراجعان را مشخص می‌کند، روی آن دیده نمی‌شود. اهالی روستاهای گیلان به شدت مهمان‌نواز هستند و هنگامی که فردی غریبه وارد محوطه خانه شده و اجازه ورود می‌خواهد، اهالی خانه، بدون توجه به جنس، (زن یا مرد)، به استقبال او می‌روند. روستاییان بر این عقیده هستند که مهمان بعد از ورود به خانه، هم‌چون یکی از اعضای خانواده است. بنابراین او را وارد فضای خصوصی مسکونی کرده و با او هم‌سفره می‌شوند. البته این مسأله، هنگامی که مهمانان به صورت خانوادگی باشند، نسبت به زمانی که مهمان مردی بدون همراهی خانواده باشد، بسیار راحت‌تر اتفاق می‌افتد. در چنین شرایطی، معمولاً مهمان مرد در یکی از اتاق‌های خانه و یا در فضایی مجزا از سایر اعضای خانواده پذیرایی می‌شوند. اما آنچه مسلم است، در همه این حالات، زنان خانه آزادانه با مهمانان، چه مرد و چه زن، وارد مکالمه شده و ارتباط برقرار می‌کنند. هم‌چنین زمانی که مرد خانه حضور ندارد، پذیرایی از مهمانان مرد به عهده زن است (تصویر ۱).

تصویر ۱- رابطه اجتماعی زنان روستا با مرد همسایه در روستای لیالمان لاهیجان، مأخذ: نگارندگان.

بنابراین، مشارکت زیاد زن در فعالیتهای اقتصادی خانواده که منجر به تولید ثروت می‌شود و هم‌چنین مدیریت برخی از فعالیت‌ها که در داخل فضای مسکونی انجام می‌شود، جایگاه اجتماعی خاصی برای زن روستایی در گیلان رقم زده و نوعی اقتدار را برای آن‌ها ایجاد می‌کند. بدین ترتیب در بسیاری موارد رأی و نظر زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور خانه اهمیت دارد. لذا می‌توان اذعان داشت که در



روستاهای گیلان بر مبنای کنش‌های اقتصادی و نوع مرادات اجتماعی، حضور زنان در جوامع اجتماعی پذیرفته شده و از نظر فرهنگی، منعی برای حضور زن در عرصه‌های عمومی وجود ندارد. بدین ترتیب حضور پیوسته زنان در مکان‌های عمومی روستا و روابط اجتماعی که با سایر همسایگان چه مرد و چه زن ایجاد می‌شود، معماری را از ایجاد فضاهایی که مخصوص حفظ جنس زن از انظار مردان غریبه است، بی‌نیاز می‌کند.

۱. هشتی در معماری ایران، اولین فضا بعد از درگاه خانه است که مهم‌ترین کارکرد آن، تقسیم مسیر ورودی به دو یا چند جهت و حفظ قسمتی از حریم خانه است.



#### ۵-۴. زن و فرهنگ در گیلان

یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در شکل‌گیری هویت جنسیتی در یک منطقه، فرهنگ حاکم بر آن است. در جامعه روستایی گیلان، با توجه به شرایط جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی ویژه، فرهنگی برون‌گرا حاکم است که به تبع آن معماری برون‌گرا ایجاد می‌شود؛ معماری در این منطقه، آزادانه ویژگی‌های ظاهری در نمای خانه و عناصر درونی را با فضای عمومی به اشتراک گذاشته و برای نمایان شدن آن‌چه درون فضای داخلی خانه اتفاق می‌افتد، از جمله فعالیت زنان، منعی وجود ندارد (Sadoughianzadeh, 2013: 9).

آنچه در نگاه اول به نظر می‌رسد، زنان روستایی گیلان به نسبت زنان سایر مناطق ایران، در خارج از خانه، حجاب و پوشش کمتری دارند (تصویر ۲). این مسئله می‌تواند به علت فعالیت زیاد زنان گیلانی و حضور فعالانه آن‌ها در امور اقتصادی باشد. چنانکه لباس‌های چندلایه و گشاد، کار را بر روی زمین‌های گلی مزارع برنج مشکل می‌نماید. مشاهدات نشان می‌دهد با وجود اینکه زنان در گیلان، پوشش‌های باز و آزادی هنگام کار کشاورزی دارند و این مسئله بر الگوی حجاب آن‌ها تأثیر گذاشته است، اما همگی آن‌ها بر حدود نانوشته‌ای از حجاب، اتفاق نظر داشته و به پوشش آن محدود، مقید هستند؛ برای آن‌ها، پوشاندن دست‌ها از آرنج به پایین، پاها از ساق به پایین و محدوده گردن، الزامی ندارد، در حالی‌که پوشاندن موی سر و بخش‌های دیگر بدن از واجبات است. البته این حدود مربوط به حضور بین اهالی

تصویر ۲- حضور زن روستایی در عرصه‌های عمومی روستا، مأخذ: نگارندگان.



روستا بوده و در مواجهه با مردان بیگانه تغییر می‌کند. رابینو به حجاب زنان گیلک اشاره کرده و در این باره می‌نویسد: «(زن‌های گیلک) کمتر روبنده به کار می‌برند ولی چادر به سر می‌کنند و آن را طوری می‌گذارند که قسمت

۱. بنجامین در کتاب «ایران و ایرانیان» به این نکته اشاره می‌کند که زنان روستایی بدون حجاب کامل، مشغول کار در مزارع بودند، اما به محض رؤیت هیأت سفارت امریکایی، روی از آن‌ها برگردانده تا بیگانگان چهره آن‌ها را نبینند (بنجامین، ۱۳۶۳: ۳۳).

زیادی از چهره آنها دیده می‌شود» (رابینو، ۱۳۷۴: ۱۸). در روستاهای گیلان، لباس زن، زمانی که داخل خانه حضور دارد و هنگامی که برای کار به بیرون از محوطه مسکونی می‌رود، یکسان بوده و الزامی برای تغییر پوشش هنگام خروج از خانه وجود ندارد (Sadoughianzadeh, 2013: 9). در واقع، در این مناطق، مسکن و مزرعه بیشتر به صورت خانه-باغچه است و معمولاً مزارع و باغ‌ها در فاصله کمی از منطقه مسکونی قرار دارند. برای اینکه نظارت دایمی بر محوطه، برای حفظ اموال و محصولات مزرعه صورت بگیرد، لازم است تا ارتباط بصری تنگاتنگی بین فضای درون و بیرون بنا ایجاد شود. به این ترتیب شاید بتوان گفت که زن روستایی در گیلان، قلمرویی گسترده‌تر از فضای داخلی مسکن برای خود قایل است.

### ۶. فضاهای جنسیتی در گیلان

در ظاهر مسکن روستایی استان گیلان، به‌طور واضح، تفکیک فضاهای مختص مردان و زنان وجود ندارد، اما هرکدام از اعضای خانواده با توجه به جنسیت و نقشی که در خانواده دارند، حریمی را در فضاهای مشترک برای خود تعیین می‌کنند (برومبرژه، ۱۳۷۰: ۱۲۵). در معماری این منطقه فضایی مجزا برای زن با توجه به هویت جنسیتی، در نظر گرفته نشده است؛ اما زن حریمی نامرئی را با توجه به عملکرد روزانه، برای خود مشخص می‌کند. در مطالعات میدانی مشاهده شد که در هریک از بخش‌های مسکونی اتاق و ایوان، بالاخانه و تالار، مرزی نامرئی بین قسمت‌های «مردانه» و «زنانه» وجود دارد.

۶-۱. اتاق: شکل‌بندی خانه‌های گیلانی، از بیرون ثابت بوده اما ترکیب درونی انعطاف‌پذیری دارند. در اتاق‌ها اکثر لوازم موجود ثابت نیستند و اتاق به اقتضای شرایط موجود، کاربری متفاوتی پیدا کرده، اثاث منزل به آسانی بین اتاق‌ها جابه‌جا می‌شوند (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸: ۶۰). آنچه به راحتی مشهود است، انعطاف‌پذیری درون این فضاها است که زن روستایی با قرار دادن تنور در گوشه‌ای از ایوان، یا ظروف آشپزی در گوشه‌ای از اتاق، آن بخش را به خود اختصاص می‌دهد. در واقع به نظر می‌رسد یکی از عوامل تعیین‌کننده قسمت‌های مردانه و زنانه، ابزار و وسایل مربوط به آن‌ها است؛ آن‌چنان که قرار گرفتن کله<sup>۱</sup> در بخشی از فضای اتاق، در زنانه تلقی شدن آن قسمت مؤثر بوده، همان‌گونه که ابزار متأثر از تکنولوژی پیچیده از جمله تلویزیون، عاملی برای تجمع مردان خانه در آن محدوده است (جدول ۱).

زمانی که همه اعضای خانواده در یک اتاق برای صرف شام و یا نهار جمع می‌شوند، جایگاه زنان، معمولاً نزدیک ورودی و در مجاورت محل طبخ و صرف غذا است. در حالی که مردان خانواده، در بخش انتهایی اتاق می‌نشینند که کمترین میزان رفت‌وآمد در آن‌جا صورت گرفته و به نسبت قسمت‌های دیگر اتاق، محیط آرام‌تری محسوب می‌شود. زنان گیلانی همواره در تلاش و تکاپو هستند و این شاید یکی از دلایلی است که در اکثر موارد فضایی نزدیک محل ورود و خروج را برای نشستن انتخاب می‌کنند. باحضور مهمان در خانه، در عین اینکه همه افراد در یک اتاق، گرد هم می‌نشینند، مهمانان مرد، در جایگاه مرد خانه و مهمانان زن در نزدیکی زن خانواده قرار می‌گیرند. اگر در غیاب

۱. (kale)، نوعی از اجاق

جدول ۱- نمونه‌های جانمایی لوازم و تقسیم‌بندی حریم‌های زنانه و مردانه در اتاق خانه‌های روستایی، مأخذ: نگارندگان.

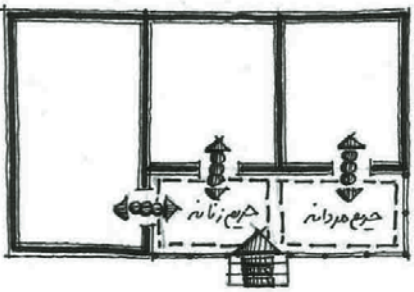
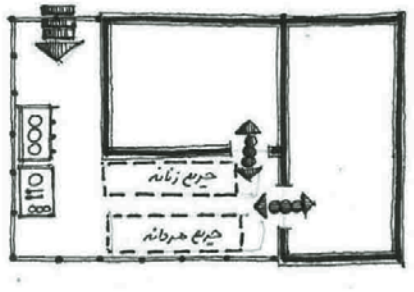
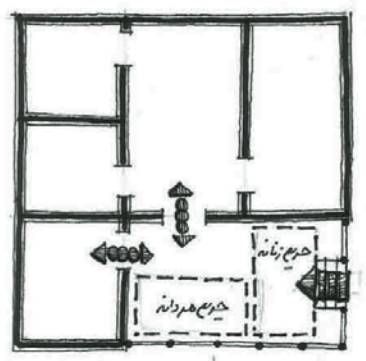
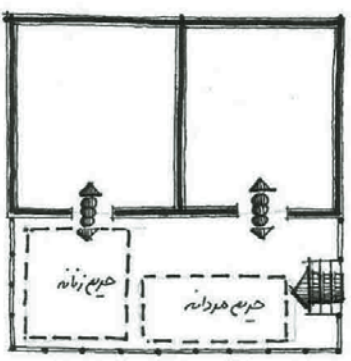
<p>ب: نمونه برداشت شده از روستای کیسیم، شهرستان آستانه اشرفیه</p>	<p>الف: نمونه برداشت شده از روستای کلاک، شهرستان سیاهکل</p>
<p>د: نمونه برداشت شده از روستای شالماء، شهرستان شفت</p>	<p>ج: نمونه برداشت شده از روستای جیرگل، شهرستان رودسر</p>
<p>و: نمونه برداشت شده از روستای سیادهرز گواپر، شهرستان املش</p>	<p>د: نمونه برداشت شده از روستای گیگاسر، شهرستان فومن</p>
<p>ح: نمونه برداشت شده از روستای بهدان، شهرستان رشت</p>	<p>ز: نمونه برداشت شده از روستای ملسکام، شهرستان فومن</p>

مرد خانواده، زنی به مهمانی بیاید، او را به نشانه احترام، به حریم آرام و به عباترتی همان حریم مردانه خانه هدایت می‌کنند. در مسکن روستایی گیلان، فضایی تحت عنوان «اتاق خواب» وجود ندارد.

با توجه به تغییر فصل از تابستان به زمستان، یکی از اتاق‌های طبقه بالا یا پایین، که محل زندگی روزمره نیز هست، به خواب اختصاص می‌یابد. در گذشته، معمولا فرزندان، اتاقی جدا از پدر و مادر برای خواب نداشتند و در اکثر موارد همه اهل خانواده در کنار یکدیگر و در یک فضای مشترک می‌خوابیدند. زمانی که فرزند ذکور خانواده به سن بلوغ می‌رسید، اتاقی جداگانه برای خواب شب به او اختصاص می‌دادند، در حالی که دختران در کنار پدر و مادر، شب را سپری می‌کردند. اما اکنون، در بیشتر موارد، در خانه‌هایی که خانوارهای جوان روستایی زندگی می‌کنند، اتاق فرزندان از پدر و مادر جدا است. با این حال، هم‌چنان، دختران و پسران خانواده اتاق مجزا از هم و مخصوص به خود ندارند و کمتر مشاهده شده که برای هر کدام از جنس پسر و دختر خانواده، اتاقی جداگانه در نظر گرفته شود.

۲-۶. ایوان: ایوان، فضایی نیمه باز و پر رفت‌وآمد در مسکن روستایی

جدول ۲- نمونه‌های برداشت شده از تقسیم‌بندی حریم‌ها در ایوان خانه‌های روستایی، مأخذ: نگارندگان.

	
<p>ب: نمونه برداشت شده از روستای گیگاسر، فومن</p>	<p>الف: نمونه برداشت شده از روستای گیسیم، آستانه اشرفیه</p>
	
<p>د: نمونه برداشت شده از روستای لیالمان، لاهیجان</p>	<p>ج: نمونه برداشت شده از روستای سیاهمرز گواپر، املش</p>

است و روستاییان زمان زیادی در طول شبانه روز را به کار، فعالیت و حتی استراحت در این قسمت از خانه، سپری می‌کنند. هنگامی که اعضای خانواده در فضای ایوان، دور هم جمع می‌شوند، مردان معمولا در قسمت انتهایی ایوان

نشسته و زنان در ابتدای ورودی آن جای می‌گیرند. هم‌چنین وقتی مهمانان وارد ایوان خانه می‌شوند، ترتیب نشستن مردان و زنان به همین صورت است. مادر خانواده در ورودی ایوان و نزدیک به محل اتاق‌ها می‌نشیند، تا اگر نیاز به وسایلی برای پذیرایی از مهمان بود، راحت‌تر رفت‌وآمد نماید (جدول ۲). حیاط خانه‌های روستایی گیلان محوطه‌ای باز است که گرداگرد فضای مسکونی را فرا گرفته و عناصر خدماتی و فضاهای مربوط به انبار محصولات کشاورزی به صورت پراکنده در آن قرار دارند. در این محوطه نیز همچون بخش مسکونی اتاق و ایوان، زنان و مردان بدون محدودیت به همه قسمت‌های حیاط سرکشی می‌کنند.

#### ۷. نتیجه تحقیق

مسکن در جامعه روستایی، به واسطه دیدگاه و رفتارهای مختلف ساکنان آن، ویژگی‌های متفاوتی را به خود می‌گیرد. در واقع مسکن روستایی، بستر شکل‌گیری فرهنگ و معماری و محل زندگی انسان‌هایی است که در طی زمان، کالبد آن را به وجود آورده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی و مجموعه آداب زیستی ساکنان روستا، بر چگونگی ساخت مسکن و الگوهای مناسب بنای مسکونی تأثیر می‌گذارد. از آن‌جا که جنسیت یکی از شاخصه‌های اجتماعی-فرهنگی است، می‌توان گفت که جایگاه زنان در جامعه روستایی گیلان، بر کیفیت و کاربری فضاهای کالبد سکونتی تأثیر می‌گذارد. چگونگی این امر از جنبه‌های مختلف جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد پژوهش قرار گرفته است. می‌توان ادعان داشت زنان گیلانی همواره در ارتباط با محیط اطراف و در تعامل با سایر اهالی روستا، در عرصه‌های غیر خصوصی و بیشتر خارج از محوطه مسکونی، به انجام امور روزمره خود می‌پردازند؛ اموری که در خیلی از موارد به تولید محصولات کشاورزی، دامی و صنایع دستی منجر شده و برای خانواده، صرفه اقتصادی دارد. مشارکت بالای زنان در فعالیت‌های اقتصادی، حضور آن‌ها را در جامعه و مکان‌های عمومی، توجیه می‌کند و هم‌چنین بر پوشش آن‌ها تأثیر می‌گذارد. آن‌چنان که زنان روستاهای گیلان، نسبت به سایر مناطق، پوشش آزادتری در خارج از خانه دارند. این عوامل سبب شده تا زن روستایی در گیلان، فردی فعال، با روابط اجتماعی آزاد و مقتدر در عرصه‌های اقتصادی باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در روستاهای گیلان، با وجود خرده فرهنگ‌هایی که در مناطق مختلف استان وجود دارد، عرف اجتماع بر مبنای جنسیت، ویژگی‌های مشترکی داشته و تأثیر آن بر فضاهای کالبدی مشابه است. بدین ترتیب نتایج به دست آمده حاکی از آن است که با توجه به جغرافیای خاص منطقه و نقش ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زنان در نظرگاه روستاییان گیلانی، الزامی برای تفکیک جنسیتی در فضاهای مسکونی وجود ندارد و زنان و مردان بدون محدودیت در همه فضاها حضور دارند. در نتیجه، در ظاهر مسکن روستایی تمایز فضاهای زنانه و مردانه دیده نمی‌شود. اما نتایج حاصل از بازدید میدانی از روستاها و بررسی خصوصیات حضور زنان و مردان در بخش‌های مسکونی، بیانگر آن است که درون فضاهای زیستی، حریم‌های نامرئی بین زنان و مردان وجود دارد، و با توجه به نقش افراد در خانواده، مرز بین قلمروهای زنانه و مردانه را مشخص می‌کند. هر یک از دو جنس زن و مرد، به محض ورود به خصوصی‌ترین

---

فضای خانه یعنی اتاق، حریمی مختص خود را برای کنش‌های روزانه انتخاب می‌کنند. در هر دو بخش اتاق و ایوان، زنان معمولاً نزدیک در ورودی استقرار می‌یابند، در حالیکه مردان در بخش‌های انتهایی، کنج اتاق و ایوان و فضای کم رفت‌وآمد قرار می‌گیرند و بدین ترتیب، بدون تقسیم‌بندی ظاهری در فضا، زنان و مردان حریم‌های جنسیتی خود را تعیین می‌نمایند.

## فهرست منابع و مآخذ

- آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۸). عدالت جنسیتی و اشتغال زنان. *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی زنان*، سال دوازدهم، شماره ۴۶: ۸۲-۱۱۶.
- اولتاریوس، آدام. (۱۳۸۵). *سفرنامه اولتاریوس: ایران صفوی از نگاه یک آلمانی*. ترجمه احمد بهپور. تهران: انتشارات ابتکار نو.
- برومبِرژ، کریستان. (۱۳۷۰). مسکن و معماری در جامعه‌ی روستایی گیلان (*مطالعات مردم شناسی*). ترجمه‌ی علاءالدین گوشه‌گیر. تهران: موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی با همکاری استانداری گیلان.
- بنجامین، ساموئل گرین ویلر. (۱۳۶۳). *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه*، خاطرات نخستین سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران. ترجمه محمدحسین کردبچه. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- پناهی، عباس. (۱۳۹۱، او ۲۴). کارکرد اجتماعی زنان گیلانی از نگاه سفرنامه نویسان عصر صفویه تا دوره قاجار. *فصلنامه سیاسی- ادبی- فرهنگی گیلان ما*. رشت.
- حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). *خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر*. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- خاکپور، مژگان. (۱۳۸۴). مسکن بومی در جوامع روستایی گیلان. *نشریه هنرهای زیبا*، شماره ۲۲: ۶۳-۷۲.
- خاکپور، مژگان. (۱۳۸۶). *معماری خانه‌های گیلان*. رشت: فرهنگ ایلیا.
- خاکپور، مژگان و عشقی صنعتی، حسام. (۱۳۹۳). بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبدی روستاهای گیلان. *فصلنامه علمی- پژوهشی مسکن و محیط روستا*، شماره ۱۴۸: ۳-۲۰.
- خاکپور، مژگان (۱۳۹۱). تاثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر شکل‌گیری مسکن بومی روستایی گیلان (با تاکید بر نقش زنان)، *رساله دکترا*. دانشگاه تربیت مدرس.
- دادورخانی، فضیله. (۱۳۸۵). توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان. *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۵۵.
- رایینو، ه. ل. (۱۳۷۴). *ولایات دارالمرز ایران گیلان*. ترجمه جعفر خمami زاده. رشت: انتشارات طاعتی.
- راپاپورت، آموس. (۱۳۸۲). *خاستگاه‌های فرهنگی معماری*. ترجمه صدف آل رسول و افرا بانک. *فصلنامه فرهنگستان هنر*، شماره ۸: ۵۶-۹۷.
- رایس، کلارا کولیور. (۱۳۸۳). *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*. ترجمه اسدا... آزاد. تهران: نشر کتابدار.
- زمرشیدی، حسین. (۱۳۹۰). *آموزه‌های معماری ایرانی و ساختمان سازی مسکونی از دوره ی قاجاریه تا امروز*. *فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی/اسلامی*، شماره ۳: ۱-۱۵.
- سرتیپی پور، محسن. (۱۳۹۰). *پدیدار شناسی مسکن روستایی*. *فصلنامه علمی - پژوهشی مسکن و محیط روستا*. شماره ۱۳۳: ۳-۱۴.

- علیرضانژاد، سهیلا. (۱۳۹۱). تکنولوژی و زنان روستایی: مطالعه‌ای بر تحول نقش‌ها و ابزارهای تولیدی زنان شالیکار استان گیلان». فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره سوم، شماره ۱۲: ۱۶۹-۱۹۶.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۶). معماری مسکونی ایران (گونه‌شناسی درون‌گرا). تهران: انتشارات سروش دانش.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۷). سیری در مبانی نظری معماری. تهران: نشر سروش دانش با همکاری نشر معمار.
- مهدوی، محمد صادق. و میرزایی، صاحبه. (۱۳۹۱). مطالعه تأثیر کلیشه‌های جنسیتی بر معماری شرق گیلان. مطالعه موردی خانه‌های دوران صفویه تا پهلوی، پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال ششم، شماره ۴: ۸-۲۷.
- ورمقانی، حسنا. و سلطان زاده، حسین. و دهباشی شریف، مزین. (۱۳۹۴). رابطه جنسیت و فضا در عرصه‌های خصوصی و عمومی دوره قاجار. فصلنامه علمی - پژوهشی باغ نظر، پژوهشکده هنر و معماری و شهرسازی نظر، سال دوازدهم، شماره ۳۷: ۲۹-۴۰.
- ثابت، سارا. (۱۳۹۲، ۳). وضعیت زنان گیلانی و تأثیر آن بر مسکن روستایی: نگاهی به یک پژوهش. <http://www.feministschool.com/spip.php?article7311>

- Colomina, B. (1992). *Sexuality and Space*. New York: Princeton Architectural Press.
- Giddens, A. (2009). *Sociology*. New York: Wiley.
- Johnston, L. (2015). *Sexuality and Space*. *International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences*, Second Edition: 808-812.
- Rendell, J. and Penner, B. and Borden, L. (2000). *Gender Space Architecture: an Interdisciplinary Introduction*. London and New York: Routledge.
- Sadoughianzadeh, M. (2013). *Gender Structure and Spatial Organization: Iranian Traditional Spaces*. *SAGE open*, October-December: 1-12.
- Bossen, Laurel. (2005). *Gender and Development Theories: from Invisible Women to Missing Women*. Draft for International Workshop, Japan: National Museum of Ethnology.